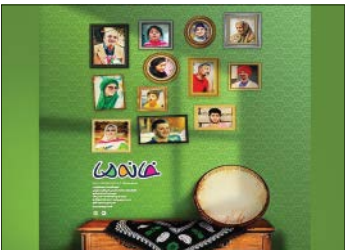


فصل ۱۵ «خانه ما» در راه تولید

تهیه‌کننده مستند «خانه ما» از آغاز فصل جدید این برنامه خبر داد و گفت: به‌زودی زمان تولید فصل ۱۵ را اعلام می‌کنیم و شرکت‌کنندگان می‌توانند جهت شرکت در مسابقه به صفحه مجازی برنامه مراجعه کنند. احمد شفیعی، تهیه‌کننده مستند خانه ما گفت: این برنامه که در هر فصل به یکی از شهرهای ایران سفر می‌کند، در فصل‌های قبل به شهرهای بوشهر، قم، قزوین، مشهد، رشت، تبریز و شیراز سفر کرده و

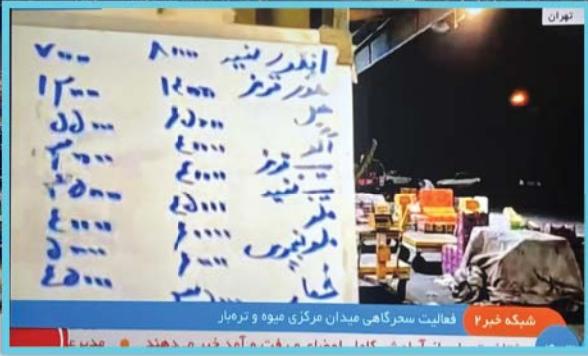


خانوادگی با محوریت سبک زندگی، مدیریت هزینه‌ها و ایجاد و حفظ نشاط خانوادگی است. شفیعی در پاسخ به نحوه انتخاب شرکت‌کنندگان در هر دوره افزود: خانواده‌ها با فراخوان و طی مصاحبه انتخاب می‌شوند و همچنین به‌زودی فراخوان تولید فصل جدید ۱۵ را اعلام می‌کنیم و شهرهایی که آمادگی دارند به صفحات مجازی ما مراجعه کنند تا آداب و رسوم شهرشان را به تصویر بکشیم.

پاتک رسانه ملی به عملیات رسانه‌های نیابتی

درست در شبی که رسانه‌های معاند و وابسته به رژیم صهیونیستی در تلاش برای اجرای یک عملیات جنگ روانی بودند

صد او سیما تلاش کرد واقعیت را با تصاویر زنده به مردم نشان دهد



برخی به اشتباه معتقدند که مرجعیت رسانه خارج از مرزهای ایران است، اما در ساعات پایانی چهارم آبان و در حین عملیات روانی رسانه‌های معاند و دروغ‌پرانی پیرامون حمله رژیم صهیونیستی به ایران، شاهد یک ابتکارعمل جدید از رسانه ملی بودیم؛ ابتکاری که بار دیگر جای هرگونه اما و اگر

پیرامون مرجعیت رسانه را کنار می‌زند. درست در زمانی که افکار عمومی نگران و تشنه اخبار بود، صد او سیما اقداماتی برای کنترل وضعیت و اطلاع‌رسانی صحیح انجام داد. این رسانه با کاشتن دوربین‌های متعدد در نقاط مختلف تهران و شهرهای دیگر، جریان زندگی را به مخاطبان نشان داد و توانست بار عملیات تکمیلی و ترکیبی رسانه‌های نیابتی رژیم صهیونیستی را خنثی کند. رسانه ملی تصاویر بازار تره‌بار تا ایستگاه راه‌آهن را به‌صورت زنده به مخاطبان نشان داد تا روند عادی زندگی مردم به نمایش گذاشته شود.

این اقدام، نقش مؤثری در ایجاد آرامش میان مردم ایفاکرد و نشان داد که شایعات بی‌اساس هستند. این اقدام بهنگام رسانه ملی،



سیده اشرفی گروه رسانه

ماندن در ایستگاه مرجعیت

آن‌طور که از واکنش‌های مختلف به این حادثه برمی‌آید، ابتکار عملی که رسانه ملی در این حوزه انجام داد، بخش مهمی از اثبات مرجعیت رسانه‌ای خود بود؛ کما این‌که در مدت اخیر هم، اخبار تنها در صورت داشتن پایه‌های رسمی، از این رسانه منعکس می‌شد.

در نقطه مقابل، شبکه اینترنت‌نشان در ادامه کارویژه همیشگی خود برای عملیات روانی و جنگ ترکیبی، با دست‌فرمان خوف‌وحشت مردم تهران،

ضدانقلاب و وابسته به رژیم منحوس پهلوی در حال رایزنی و مشورت در رابطه با نحوه و چگونگی تهاجم اسرائیل به ایران بود. در واقع پیش از آغاز حملات کور و بی‌هدف رژیم صهیونیستی به برخی نقاط ایران، این شبکه تلویزیونی به اتاق جنگ رسانه‌ای صهیونیست‌ها تبدیل شده بود و از طریق ارتباط با برخی از عناصر ضدانقلاب و ضدنظام در داخل کشور، راهکاری لازم چنین حمله‌ای را بررسی می‌کرد. حتی از آنها خواسته بود که پس از حملات رژیم جعلی اسرائیل به ایران، از محل‌های مورد اصابت تصویربرداری کرده و به این شبکه تلویزیونی ارسال کنند. همچنان هم به یاده‌گویی‌ها و دروغ‌پردازی‌های خود علیه مردم ولایت‌مدار ایران اسلامی ادامه می‌داد تا به‌نوعی فضای داخل کشور را ملتهب کند.

شبکه تلویزیونی صهیونیستی اینترنت‌نشان همچنین پس از حملات ناموفق رژیم صهیونی برای هدف قرار دادن اهداف نظامی در ایران که توسط پدافند هوایی کشورمان ناکام ماند، از اولین ساعات این حمله به عنوان اتاق فکر و اتاق عملیات رسانه‌ای و روانی رژیم جنایتکار صهیونیستی عمل کرد و با پخش برنامه‌های زنده کوشید فضای جنگ رسانه‌ای راه بیندازد و با پخش تصاویر جعلی و ساختگی از به‌اصطلاح حملات اسرائیل به ایران به گونه‌ای وانمود کند که رژیم صهیونیستی در یک تهاجم گسترده با هواپیماهای جنگی خود نقاط حساس نظامی کشورمان را مورد هدف قرار داده

است. به نوعی که طی چند ساعت برنامه زنده خود که تا ساعت ۹ تا ۱۰ صبح روز شنبه پنجم آبان ماه پخش کرد، درصدد برآمد فضای داخل کشورمان را ناامن جلوه دهد و در واقع به دلیل این‌که بی‌برد رژیم صهیونیستی در این حمله کور خود با اقتدار پدافند هوایی ایران روبه‌رو شده و شکست خورده، خواست معادله را این بار طور دیگری رقم بزند و در همین ارتباط واگفت‌وگو با عناصر خودفروخته و ضدانقلاب فراری، سعی کرد تجاوز و حملات رژیم صهیونیستی به خاک ایران را موفقیت‌آمیز جلوه دهد، اما به‌مانند گذشته در این عرصه رسانه‌ای هم مثل رژیم کودک‌کش صهیونیستی شکست خورد و بیشترین عصبانیت این شبکه تلویزیونی وابسته به صهیونیست‌ها، از بابت اخبار و اطلاع‌رسانی درست و دقیق شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی صد او سیما جمهوری اسلامی ایران بود که از ساعات اولیه این تهاجم کور با ی کار آمدند و با به تصویر کشیدن عملیات موفقیت‌آمیز پدافند هوایی کشور علیه حملات بی‌هدف رژیم صهیونیستی و خنثی‌کردن این حملات، با پخش گزارش‌هایی از فضای شهری و مناطق مسکونی مردم در استان‌های تهران، البرز، خوزستان، ایلام و سایر شهرها و مناطق کشورمان نشان دادند که با وجود ادعای پوچ و بی‌اساس فرماندهان و نظامیان رژیم صهیونیستی مبنی بر رسیدن به اهداف خود و ایجاد تنش و ناامنی در کشور، مردم ایران اسلامی توجهی به این حملات نداشته و به آن اهمیت ندادند و به

محتوای متعددی رایخش کرد. برای هر شهروندی که روز گذشته در خیابان‌های تهران قدم زده، بدیهی است که خبررسانی رسانه‌هایی مثل اینترنت‌نشان، فراتر از کارکرد خبری، به کارویژه خبرسازی رسیده است.

برخی از این رسانه‌ها درست مثل چند ماه اخیر به انتشار اخبار جعلی پرداخته و برخی دیگر هم، تلاش می‌کنند با ایجاد وحشت در میان مردم، آنها را نسبت به واقعیت و خبر درست، مردد کنند.

مقایسه دو عملیات رسانه‌ای

اما در این میان، یک نکته مهم دیگر را باید در نظر داشت؛ عملیات رسانه‌ای ایران در زمان اجرای وعده صادق ۲ و ۱ توانسته بود افراد مستقر در اراضی اشغالی را به نیروهای رسانه‌ای و رسانه‌های مستقل بدل کند. بسیاری از مردم غزه و اراضی اشغالی، دست به دوربین بردند تا اصابت موشک‌های ایران به اهداف صهیونیستی را برای مردم جهان ثبت کنند.

بازتاب گسترده این عملیات و ناموفق بودن



زندگی عادی روزمره خود پرداخته و همچنان در پارک‌ها به ورزش مشغول‌اند و در ادامه هم روال زندگی معمول مردم طبق گذشته در جریان است و خیابان‌های شهر تهران همچنان با حضور همه قشرهای مردم پرتردد و بانشاط است. بخش این تصاویر از تهران و سایر شهرها و مناطق ایران که حاکی از امنیت و آرامش بود، موجب عصبانیت بیشتر شبکه صهیونیستی اینترنت‌نشان شد و با توجه به این‌که برخی از رسانه‌های خارجی هم بر عدم موفقیت حملات رژیم صهیونیستی به ایران ادعای کردند، اما این شبکه ضدبشر و ضدانقلاب با پخش اخبار دروغ و تصاویر ساختگی سعی کرد حملات رژیم کودک‌کش اسرائیل را موفق جلوه دهد و با ارتباط‌گیری با عناصر وابسته به استکبار جهانی و افراد فراری ضدانقلاب اسلامی باز هم تلاش کرد اتاق جنگ رسانه‌ای اسرائیل باشد و صهیونیست‌بودنش را حالا با این کارزار بی‌هدفی که دنبال می‌کند، ثابت کرده است.

قصه‌های گربه خانگی

مریم فلاح: گربه کتابخوان که در تیتراژ کارتون او را بالای درخت در حال مطالعه می‌دیدیم در هر قسمت ماجراجویی تازه از زندگی خانواده‌ای با دو دختر که در حومه شهر زندگی می‌کردند را تعریف می‌کرد. البته گربه راوی، خودش در داستان‌ها حضور داشت. موضوعات در مزرعه‌های می‌گذشت که حیواناتش با فرزندان این خانواده که دو دختر به نام‌های دلفین و ماریت بودند، رابطه دوستانه‌ای داشتند. جالب این‌که حیوانات مزرعه می‌توانستند با زبان انسان‌ها صحبت کنندو از اتفاقاتی که برای خواهران می‌افتاد درک کاملی داشتند. ماریت و دلفین با این‌که بچه‌های باووشی بودند اما به‌خاطر شیفت‌های کودکانه گاه از پدر و مادر نافرمانی می‌کردند و همین باعث عصبانیت والدین‌شان می‌شد. آنها از این‌که بچه‌ها بیشتر وقت‌شان را صرف بازی با حیوانات می‌کنند شاکی بودند. معمولاً حیوانات خصوصاً گربه خانگی، ترفندهای مختلفی به کار می‌برند تا بچه‌ها از تنبیه والدین‌شان نجات پیدا کنند.



کودک‌ها را می‌توانید

جام جم

رسانه
MEDIA

یکشنبه ۶ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۸۹۱

روایت

امیر داسازگر کارگردان تلویزیون و سینما

مجموعه یادداشت‌های سفر به لبنان/ بخش هفتم

لبنان، جنگ داخلی اسقاطیل و مقاومت



در خیابانی که اصلا حس نمی‌کردم مشکل امنیتی خاصی داشته باشد، خیلی با احتیاط در حال قدم زدن از خیابان فیلم می‌گرفتم که دو موتورری ریختند سرم و داد و بیداد و... خلاصه سوار شدیم و یکی دو جایی در محله سراغ مسئول امن منطقه گشتیم و بالاخره بعد چند دقیقه رسیدیم به حاجیه مربوطه. موتورسوارها رفتند و حاجی بگو بختی کرد و توضیح شرایط و بعد فی‌ال‌آمان... همین اتفاق ساده راه ما را به سمت هتل کمی دور کرد. طبق عادت از روی گوگل‌مپ مسیر را انتخاب کردم و رسیدیم به جاده قدیم صیدا به بیروت که حالا خیابانی در وسط شهر است و یک طورهایی مرز شرقی ضاحیه. وارد خیابان شدیم و به سمت جنوب راه افتادیم. برای اولین بار در این چند سفر، ردی خیلی جدی از جنگ‌های داخلی لبنان روی در و دیوارهای یک سری از ساختمان‌های قدیمی دیدیم. این ردها که شاید شبیهش را در ساختمان‌های قدیمی خرمشهر دیده باشید، در دوطرف خیابان بودند و این فکر در سرمان



بود که احتمالاً اینجا خط درگیری بوده. یک طرف خیابان محله مسیحی نشین و طرف دیگر شیعه نشین. روز بعد تصمیم گرفتم محله مسیحی نشین را پیاده‌روی کنم. فرهاد همراهی نکرد و تنها راه افتادم و مسیری روی نقشه انتخاب کردم. محله زیبایی بود، قیلا به جز ضاحیه بیشتر محله‌های شمال شهر بیروت که خیلی اثری از گذشته در آنها باقی‌نمانده را دیده بودم، ولی در این محله که شباح نام داشت، در کنار ساخت و سازهای تکی و شهری، هنوز بافت قدیمی محل خیلی جایی باقی بود. مجسمه‌های حضرت مریم و دیگر بزرگان و مقدسان مسیحی، به تعداد زیاد سر کوچه‌ها دیده می‌شد. حدود ساعت دو و سه عصر و کوچه‌ها خلوت بود. آرامش و سکوت محله در کنار ساختمان‌های قدیمی خیلی سر ذوقم می‌آورد. نکته عجیب، وجود ساختمان‌هایی با رد ترکش و گلوله در تمام ارتفاع بود. حدود دو ساعت در این محله گشتم و فراوان از این ساختمان‌ها دیدم. دامنه جنگ خیلی گسترده‌تر از چیزی بود که روز قبل تصور کرده بودم. از میانه این جنگ اما کم‌کم جنبش امل و بعد حزب‌ا... متولد شدند و قدرت گرفتند و سرانجام اسرائیل را از لبنان بیرون کردند. رژیم غاصب را بیرون کردند و در این حدود سه دهه، دیگر خبری از جنگ داخلی در لبنان نیست، نه این‌که زمینه یا تحریک برای درگیری نباشد، بارها این کشور تاجرقه جنگ و درگیری پیش رفته اما همیشه خودداری و درایت شهید سید حسن نصر... از به آتش کشیده شدن دوباره لبنان جلوگیری کرد. نمونه آخرش که در ذهنم است، در همین فکرها بودم که به خیابانی رسیدم با تعداد زیادی بار و مشروب فروشی در آن. مردم گوشه خیابان نوشیدنی می‌خوردند و انواع کارهای روزانه را دنبال می‌کردند. فرهاد رنک زد که نزدیک مسجد قائم ساختمانی را با موشک زده‌اند، می‌خواهم خودم را به نقطه ترور برسانم ولی نگاهم به خانی می‌افتد که با لب تایش گوشه خیابانی شیک کار می‌کند و گویا اصلا خبر ندارد دو کیلومتر آنطرف‌تر موشک‌های جنگنده‌های اسقاطیلی چه می‌کنند. ضاحیه سپر بیروت شده و مقاومت سپر این مردم. ختنه‌گاز به سمت محل ترور که پیاده نیم ساعتی با آن فاصله دارم راه می‌افتم. گوشه ذهنم به نقش مقاومت در ایجاد آرامش و امنیت برای این مردم فکر می‌کنم. به این‌که آیا این خانم یا دیگرانی که در این دو ساعت دیدم، قدر این خدمت را می‌دانند؟ بعد به خودم می‌گویم: سید و حزب که هزینه این آرامش را با خون‌شان داده‌اند، توقعی ندارند، تو کجای این معرکه‌ای که بخواهی حساب‌کشی کنی.

خاطرات کاغذی



کودک‌ها را می‌توانید

آتن

روش‌های نوین تدریس در پرسشگر

شبکه آموزش تاکنون برنامه‌های مختلفی را با هدف بررسی چالش‌های مختلف حوزه آموزش روی آنتن برده است. یکی از این برنامه‌ها، پرسشگر است که هر هفته شنبه تا دوشنبه با هدف بررسی چالش‌های آموزش کشور روی آنتن می‌رود. این برنامه یکشنبه ۶ آبان موضوع هوش مصنوعی؛ حکمرانی داده را با اجرای میترا بهرامی و با حضور دکتر احسان کیان‌خواه دبیر کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک و دکتر مصطفی طاهری، عضو کمیسیون صنایع و معادن و نایب‌رئیس فراکسیون دانش بنیان مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. دوشنبه ۷ آبان ماه نیز حسام‌الدین خضری در این برنامه میزبان دکتر محمود تقی‌پور، معاون آموزش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و دکتر ابراهیم صالحی عمران، استاد دانشگاه مازندران، رئیس پیشین دانشگاه ملی مهارت خواهد بود. در برنامه دوشنبه به موضوع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در صنایع و در جوار کارگاه‌ها پرداخته می‌شود. برنامه پرسشگر هر هفته با مهمانان و دیدگاه‌های نقطه نظرات مختلف با تهیه‌کنندگی مریم فیروزی شنبه تا دوشنبه ساعت ۲۲ از شبکه آموزش سیما پخش می‌شود.



«صبح آخرین روز» روی آنتن می‌رود

علاقه‌مندان به تماشای مجموعه‌های درام می‌توانند هر روز به تماشای مجموعه «صبح آخرین روز» بنشینند. این مجموعه به کارگردنی حسین تبریزی و مصطفی علمی‌فرد در سال ۱۴۰۰ ساخته شده و ژانر امنیتی - سیاسی دارد. داستان فیلم‌نامه این سریال توسط فاطمه حیدری و حسن عطارها نوشته شده است؛ صبح آخرین روز درباره اتفاقات یک‌سال قبل تا روز شهادت مجید شهرپاری، استاد دانشگاه شهید بهشتی، فیزیکدان و دانشمند هسته‌ای ایران است که در تاریخ هشتم قوس (آذر) ۱۳۸۹ در ۴۴ سالگی ترور شد. کاوه خداشناس، سیدیه خداوردی، شهرام عبدلی، سیروس همتی، زهرا سعیدی، مه‌ران رجبی، افسانه ناصری، میرطاهر مظلومی، حسن اسدی و اردشیر رستمی از بازیگران این سریال هستند. خداشناس نقش اصلی این سریال یعنی شهید شهرپاری را بازی کرده و با توجه به فیزیک، میمیک صورت و نوع بازی‌ای که دارد، به خوبی توانسته از پس این نقش بر بیاید. سریال صبح آخرین روز هر روز ساعت ۱۷ به وقت تهران، ۱۸ به وقت کابل و ۱۸:۳۰ به وقت دوشنبه از شبکه جهانی آی فیلم ۲ پخش می‌شود.



سریال